

بررسی ایجاد بستر مناسب حمایت از طب سنتی در نظام

حقوق مالکیت فکری

سمیرا غلام دخت^۱

مهدی زاهدی

چکیده

در سال‌های اخیر تلاش جامعه جهانی و خصوصاً کشورهای در حال توسعه که بخش عمده‌ای از طب سنتی در این کشورها متمرکز شده بر این بوده تا از این دانش به عنوان مصداقی جدید از دارایی‌های فکری در قالب نظام‌های حمایتی موجود حمایت کنند. از آن جایی که این دانش واجد ویژگی‌های منحصر به فردی است که قابلیت انطباق کامل با سایر مصداق حقوق مالکیت فکری را غیرممکن می‌سازد، لذا فکر ایجاد یک نظام خاص حمایتی (sui generis) نیز در دستور کار واپیو قرار گرفت.

در این مقاله کوشش شده است ظرفیت‌های فعلی نظام حقوق مالکیت فکری برای حمایت از طب سنتی مانند نظام حق اختراع، نشانه‌های جغرافیایی و... مورد بررسی قرار گیرد و در نهایت به علت عدم تطابق کامل این نظام‌ها با ویژگی‌های منحصر بفرد این دانش پایه‌گذاری یک نظام خاص پیشنهاد گردیده است.

مقاله حاضر در انتها کوشش می‌کند ویژگی‌های ضروری نظام خاص حمایتی پیشنهادی خود را تبیین و مورد تجزیه تحلیل حقوقی قرار دهد تا از این طریق بستر مناسب برای حمایت از طب سنتی در نظام حقوق مالکیت فکری فراهم گردد.

واژگان کلیدی

طب سنتی، حقوق مالکیت فکری، سرقت زیستی، نظام خاص

۱. مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق مالکیت

فکری از دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسؤول)

بررسی ایجاد بستر مناسب حمایت از طب سنتی در نظام حقوق مالکیت فکری

طب سنتی نمادی از آداب و رسوم و سنن یک ملت در در رابطه با مبارزه با بیماری‌ها یا درمان آن و حفظ تندرستی است. مکاتب طب سنتی تحت تأثیر عواملی چون فرهنگ، تاریخ و فلسفه از کشوری به کشور دیگر و از منطقه‌ای به منطقه دیگر دارای تفاوت‌های آشکاری هستند.

امروزه طب سنتی از جمله دارایی‌های فکری یک کشور محسوب می‌شود که با وقوع سرقت‌های زیستی متعدد مسأله حمایت از آن موضوع بحث و گفتگوی بسیار قرار گرفته است. در واقع در سال‌های اخیر با آشکار شدن مضرات داروهای شیمیایی بر بدن انسان جهان بار دیگر به استفاده از خدمات طب سنتی و داروهای گیاهی روی آورد. این اقدام اگر چه از یک سو می‌تواند به شکوفایی و بالندگی و ترویج هرچه بیشتر طب سنتی کمک کند اما از سوی دیگر همان‌طور که بیان شد، زمینه‌ساز سواستفاده از آن شده و سرقت‌های زیستی متعددی را رقم زده است. نکته حائز اهمیت در این باب اینکه عموماً طب سنتی و منابع ژنتیک مرتبط با آن در کشورهای در حال توسعه تمرکز یافته است که این کشورها از یک سو توانایی علمی و فنی لازم را برای تجاری سازی دانش خویش نداشته و از سوی دیگر در صورت وقوع سرقت زیستی به‌طور شایسته قادر به حمایت از حقوق خویش نیستند. بنابراین سود سرشار ناشی از تجاری‌سازی طب سنتی نصیب شرکت‌های عظیم داروسازی غربی می‌شود بی‌آنکه دارندگان واقعی این دانش از آن بهره‌ای ببرند.

به عقیده بسیاری از مردمان جوامع بومی و محلی کشورهای در حال توسعه نظام کنونی مالکیت فکری نه تنها در راستای حمایت از دارایی‌های فکری این جوامع نبوده، بلکه بعضاً اکتساب غیرقانونی آن را نیز تسهیل می‌کند. حال آنکه اگر نظام مالکیت فکری با هدف حمایت از فکر و اندیشه پا به عرصه جهان حقوق نهاده باید جایگاهی نیز برای حمایت از طب سنتی به عنوان جلوه‌ای نوین از تبلور فکر و اندیشه هزاران بشر در طول تاریخ در نظر بگیرد.

موضوع مقاله حاضر ایجاد بستر مناسب حمایت از طب سنتی در نظام حقوق مالکیت فکری است. به عبارت دیگر در این نوشتار در پی آن هستیم تا جایگاهی برای حمایت از طب سنتی درون نظام مالکیت فکری ایجاد کنیم. بدین منظور ابتدا به تشریح مفاهیمی چون طب سنتی و سرقت زیستی پرداخته، سپس نارسایی‌های هر یک از ابزارهای کنونی نظام مالکیت فکری در حمایت از طب سنتی را بیان می‌داریم. در بخش آخر نیز طرح نظام خاص حمایت از طب سنتی در نظام مالکیت فکری ارائه می‌شود.

۱- کلیات

برای ورود به بحث لازم است ابتدا توضیح مختصری در باب مفهوم طب سنتی و مسأله سرقت زیستی داده شود.

۱-۱- مفهوم "طب سنتی"

طب سنتی دربرگیرنده طیف گسترده‌ای از روش‌ها، دانش، عقاید بهداشتی و درمانی، داروهای گیاهی، حیوانی و معدنی، درمان‌های روحی، تکنیک‌های یدی و ورزش می‌شود که می‌توانند به‌طور منفرد یا مرکب برای حفظ تندرستی، معالجه، تشخیص و جلوگیری از بروز بیماری به کار روند.^۱

در برخی موارد اصطلاح "طب مکمل"^۳ و "جایگزین"^۴ نیز درخصوص طب سنتی به کار می‌رود. تفاوت طب جایگزین و مکمل در این است که طب جایگزین به جای یک شیوه درمانی به کار می‌رود، حال آنکه طب مکمل همزمان با یک روش درمانی دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد. مثلاً استفاده از رایحه‌درمانی برای کاهش درد بیمار بعد از عمل جراحی نوعی طب مکمل و استفاده از رژیم غذایی خاص برای درمان سرطان به جای استفاده از شیمی‌درمانی نوعی طب جایگزین می‌باشد.

۲-۱- ویژگی‌های طب سنتی

می‌توان این ویژگی‌ها را از قرار ذیل برشمرد:

الف) اعتقاد به اینکه حیات مجموعه‌ای از جسم فیزیکی فرد، احساسات، افکار و روح او است و سلامتی بیان تعادل میان جنبه‌های متضاد بدن انسان و تعادل میان انسان و محیط است. بیماری زمانی رخ می‌دهد که فرد از نظر فیزیکی، احساسی، روحی یا فکری از تعادل خارج شود.

ب) طب سنتی دیدگاهی کل‌نگر برای تشخیص و معالجه داشته و فرد را در کلیت خود و در محیط بومی وی مورد بررسی قرار داده و معمولاً نگاهش صرفاً متوجه عضو بیمار نیست. اغلب درمانگران طب سنتی توصیه‌هایی برای شیوه زندگی و رفتار سلامتی ارائه می‌دهند.

پ) طب سنتی مبتنی بر نیازهای افراد است. ممکن است افراد مختلف که طبق دیدگاه طب نوین دارای بیماری یکسانی هستند، به شیوه متفاوتی معالجه شوند. طب سنتی معتقد است هر فردی ساختار مخصوص به خود و شرایط اجتماعی خاص خود را دارد که منجر به عکس‌العمل‌های متفاوتی نسبت به علل بیماری و شیوه معالجه آن می‌شود.^۵

۱-۱- مفهوم "سرقت زیستی"^۶

سرقت زیستی معانی گوناگونی دارد، برخی از آن‌ها عبارتند از: تحصیل منابع ژنتیک یا دانش سنتی مربوط بدون اجازه دارندگان آن، عدم تسهیم منافع ناشی از استفاده تجاری از منابع ژنتیک یا دانش سنتی، تحصیل حقوق مالکیت فکری دانش سنتی توسط افرادی که فقط از آن نسخه‌برداری کرده‌اند، بدون اینکه دانش ثبت شده دارای گام ابتکاری باشد، هرگونه حمایت مالکیت فکری از ابداعات بیوتکنولوژی که مبتنی بر دانش سنتی و منابع ژنتیک است، بدون در نظر گرفتن این مسأله که آیا شروط دسترسی به این منابع، تسهیم منافع و شروط اکتساب حقوق مالکیت فکری رعایت شده است یا خیر؟^۷

پرونده‌های بحث‌برانگیزی چون نیم، زردچوبه، کاکتوس هودیا و آباهوسکا مصادیق بارزی از وقوع سرقت زیستی^۸ است که نهادهای ملی و بین‌المللی را بر آن داشت تا در پی یافتن راهکاری برای حمایت از طب سنتی برآیند. حال که مفاهیم طب سنتی و سرقت زیستی به‌طور مختصر بیان شد، به تشریح ناسازگاری ابزارهای کنونی نظام مالکیت فکری با ماهیت طب سنتی خواهیم پرداخت.

۲-۲- ناسازگاری ماهیت ابزارهای کنونی نظام مالکیت فکری با ماهیت طب سنتی

همان‌طور که پیشتر بیان شد، نظام حقوق مالکیت فکری با هدف حمایت از اندیشه‌ها و ابتکارات بشری و ترویج فعالیت‌های خلاقانه پا به عرصه جهان حقوق نهاد. طب سنتی نیز با تمام ویژگی‌های منحصر به فرد خود یک آفرینه فکری محسوب می‌شود و بنابراین شایسته است در نظام مالکیت فکری جایگاهی برای آن در نظر گرفته شود. اگر هدف نظام مالکیت فکری حمایت از تلاش‌های فکری

بشر است و ثمره اندیشه یکایک افراد را ارج می‌نهد، نمی‌تواند حاصل اندیشه و تجربه هزاران هزار مردمان یک سرزمین را به دیده اغماض بنگرد. بی‌شک وجدان بیدار و عقل سلیم نیز چنین بی‌عدالتی را بر نمی‌تابد. با این حال در حاضر هیچ یک از ابزارهای کنونی نظام مالکیت فکری برای حمایت از طب سنتی مناسب نمی‌باشند. در ذیل به تشریح بیشتر این مسأله می‌پردازیم.

به‌طور کلی نظام مالکیت فکری به دو بخش عمده حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مالکیت صنعتی تقسیم می‌شود. حقوق مالکیت صنعتی نیز مشتمل بر شاخه‌های ذیل است: اختراعات، علائم تجاری، نشانه‌های جغرافیایی، اسرار تجاری و رقابت مکارانه. حال به بیان ایرادات هر یک از این نظام‌ها در باب حمایت از طب سنتی خواهیم پرداخت.

۱-۲- نظام "حقوق مالکیت ادبی و هنری"^۹

منظور از حقوق مالکیت ادبی و هنری مجموعه حقوق مادی و غیرمادی است که به پدیدآورنده اثر تعلق می‌گیرد و برای مدت زمانی محدود به وی حق انحصاری بهره‌برداری را می‌دهد (زرکلام، ۱۳۸۷، ص ۵).

برای اینکه اثری تحت نظام مالکیت ادبی و هنری مورد حمایت قرار گیرد، باید واجد دو شرط باشد: اصالت و نمود عینی.

اگر هدف نظام مالکیت ادبی و هنری حمایت از کلیه آثار علمی، ادبی و هنری باشد، طب سنتی نیز به عنوان اثری علمی بایستی تحت این نظام مورد حمایت قرار گیرد، اما با تدقیق در ماهیت طب سنتی و نظام مالکیت ادبی و هنری درمی‌یابیم که اولاً ماهیت طب سنتی با شرایطی که در این نظام برای حمایت از آثار در نظر گرفته شده (اصالت و نمود عینی) در تضاد است، ثانیاً بر فرض که طب سنتی به

شکل اثری درآید که واجد شرایط مورد نیاز نظام مالکیت ادبی و هنری باشد، باز هم این نظام برای حمایت از طب سنتی مناسب نخواهد بود. دلایل این ناسازگاری را می‌توان از این قرار دانست:

الف) برای اعطای حمایت لازم است که پدیدآورنده اثر مشخص و معین باشد، زیرا هدف این نظام اعطای پاداش به قوای خلاقه انسان و ارج نهادن به ثمره تلاش‌های فکری وی است. در حالی که طب سنتی پدیدآورنده مشخص و معینی ندارد. هر چند برخی اعتقاد دارند جامعه ملی یا محلی پدیدآورنده طب سنتی محسوب می‌شود، اما با اندک دقتی می‌توان فهمید که طب سنتی آفرینه فکری افراد گمنام و ناشناس بوده که هر فرد به قدر بضاعت علمی و تجربی خویش بر آن افزوده و جامعه فقط پاسدار و نگهبان آن بوده است. بنابراین جامعه پدیدآورنده طب سنتی نبوده و طب سنتی فقط به آن منتسب می‌شود (خوبکار، ۱۳۸۲، صص ۵۷-۵۱)^{۱۰}.

ب) همان‌طور که بیان شد برای اینکه بتوان از اثری تحت نظام مالکیت ادبی و هنری حمایت کرد، باید دارای اصالت باشد. حال آنکه طب سنتی در طول زمان از طریق آزمون و خطا شکل گرفته و در جامعه بومی و محلی از نسلی به نسل دیگر، سینه به سینه منتقل گشته است. اگر زمانی روشی درمانی خلاقانه و اصیل بوده، اکنون نتیجه یک رفتار سنتی و مبتنی بر تکرار و تقلید از نسلی به نسل دیگر است. بنابراین اثری ابتکاری تلقی نشده و تحت این نظام قابل حمایت نمی‌باشد (همان، صص ۵۱)^{۱۱}.

حال اگر طب سنتی به شکلی درآید که تحت این نظام قابل حمایت باشد، مثلاً اطلاعات مربوط به طب سنتی توسط شخصی به صورت یک کتاب درآید، موارد ذیل را می‌توان به عنوان نارسایی‌های این نظام برای حمایت از طب سنتی به عنوان

یک اثر علمی برشمرد.

الف) قوانین کپی رایت رجحان و تمیزی بین شخصی که ابتکاری را براساس فرهنگ سنتی یک جامعه دیگر ایجاد نموده و خود عضو آن جامعه نیست و شخصی که عضو آن جامعه است، در نظر نمی‌گیرد. ماده (۲) قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ در این خصوص مقرر می‌دارد: "اثرهای مورد حمایت این قانون به شرح زیر است: ... ۱۰- اثر ابتکاری که برپایه فرهنگ عامه (فولکلور) یا میراث فرهنگی و هنر ملی پدید آمده باشد". بنابراین ممکن است فردی که نسبت به جامعه بومی بیگانه تلقی می‌شود، اثری ابتکاری را درخصوص طب سنتی آن جامعه به وجود آورده و به نام خود به ثبت برساند. مثلاً یک شرکت داروسازی غربی با کمک مردم بومی اقدام به جمع‌آوری طب سنتی یک جامعه در قالب یک کتاب و ثبت آن به نام خود کند. این امر چندان مطابق با خواسته‌ها و نیازهای جوامع بومی و محلی نیست، زیرا آنان تمایل ندارند که افراد خارج از جامعه نسبت به میراث فرهنگی آنان از حق مالکیت فکری برخوردار شوند. البته این امکان وجود دارد که در نظام مالکیت فکری یک سری تعهدات خاصی را برای اشخاص خارج از جامعه‌ای که از طب سنتی آن بهره‌مند شده‌اند مقرر کرد، مثل معرفی جامعه مربوط یا تسهیم منافع ناشی از کپی رایت، اما این میزان از حمایت کافی نخواهد بود، زیرا طب سنتی بخشی از میراث فرهنگی یک جامعه تلقی می‌شود و مالکیت آن نیز باید با جامعه مذکور باشد (خوبکار، همان، ص ۵۴).

ماده (۲۲) قانون مذکور نیز به نوعی نگارش یافته که بعضاً ممکن است فردی بیگانه را نسبت به یک ایرانی در اولویت قرار دهد. طبق این ماده، "حقوق مادی پدیدآورنده اثر موقعی از حمایت این قانون برخوردار خواهد شد که اثر برای

نخستین بار در ایران چاپ یا پخش یا نشر یا اجرا شده باشد و قبلاً در هیچ کشوری چاپ یا نشر یا پخش و یا اجرا نشده باشد.^{۱۱}

به عنوان مثال فرض کنید یکی از اتباع ایرانی مقیم خارج از کشور اقدام به انتشار کتابی در زمینه طب سنتی می‌کند. طبق این ماده چون چاپ و انتشار این کتاب در خارج از قلمرو ایران صورت گرفته، تحت قانون ایران قابل حمایت نخواهد بود. حال اگر فردی که تبعه خارجه بوده و در ایران سکونت دارد، کتاب مشابهی را پدید آورد یا حتی از این کتاب کپی‌برداری کند، تحت قانون ایران قابل حمایت خواهد بود؛ به عبارت دیگر: این ماده در راستای اصل صلاحیت سرزمینی وضع شده و آثار پدید آمده در قلمرو ایران اعم از اینکه پدیدآورنده آن ایرانی یا تبعه بیگانه باشد، مورد حمایت آن قرار گرفته است (زرکلام، ۱۳۸۷، ص ۴۲۳).

ب) حقوق مادی ناشی از نظام مالکیت ادبی و هنری محدود به زمان بوده و پس از مدتی اثر در قلمرو عموم قرار می‌گیرد. نظام کپی رایت با عنایت به نقشی که این امر در پیشرفت و توسعه جامعه بشری ایفا می‌کند، معتقد به حق عموم مردم در دسترسی به آثار خلق شده بدون وجود مانع است. با این حال این مسأله با ماهیت طب سنتی سازگار نیست؛ زیرا: طب سنتی دانشی متعلق به مردمان یک جامعه و بخشی از میراث فرهنگی آنان برای تمامی نسل‌هاست. بنابراین نمی‌توان حقوق ناشی از آن را برای نسل خاصی (زمان محدودی) شناسایی و برای سایر اسلاف و اخلاف در نظر نگرفت (خوبکار، ۱۳۸۲، صص ۵۸-۵۳).^{۱۲}

پ) حمایت از طب سنتی تحت نظام مالکیت ادبی و هنری می‌تواند اکتساب غیرمجاز طب سنتی را تسهیل کند؛ زیرا: این نظام فقط شکل اثر را مورد حمایت قرار می‌دهد؛ به عبارت دیگر: دانش موجود در اثر تحت این نظام قابل حمایت

نیست^{۱۳}. بنابراین اگر چه مثلاً جمع آوری اطلاعات مربوط به طب سنتی و ارایه آن در قالب یک کتاب از یک سو آن را از خطر انهدام و نابودی محافظت کرده و هم‌چنین مانع از اکتساب حق اختراع نسبت به طب سنتی و منابع ژنتیک مرتبط با آن می‌شود، یا به عبارت دیگر نوعی حمایت تدافعی به وجود می‌آورد، اما از سوی دیگر باید توجه داشت که اولاً اشخاص ثالث می‌توانند بی آنکه در پی تحصیل حقوق مالکیت فکری نسبت به طب سنتی باشند، آن را مورد استفاده قرار دهند، ثانیاً این امکان برای آنان فراهم می‌شود که بر مبنای اطلاعات موجود در کتاب اختراعی را به ثبت رسانده و آن را مورد استفاده تجاری قرار دهند، بی آنکه منافع ناشی از تجاری‌سازی اختراع مذکور را با دارندگان طب سنتی تسهیم کنند.

۲-۲- نظام "حقوق اختراعات"^{۱۴}

منظور از حق اختراع حق بهره‌برداری انحصاری است که به موجب سندی که توسط دولت یا یک اداره منطقه‌ای که به نمایندگی از چندین دولت عمل می‌کند، به مخترع اعطا شده و برای وی این امکان را فراهم می‌سازد تا علاوه بر بهره‌برداری از اختراع برای مدت زمانی محدود، معمولاً ۲۰ سال، هر شخص دیگری را از بهره‌برداری اقتصادی از آن برای همان مدت، منع نماید^{۱۵}.

طبق بند (۱) ماده (۲۷) موافقت‌نامه تریپس شروط حمایت از اختراع عبارت است از: جدید بودن^{۱۶}، گام ابتکاری^{۱۷} و کاربرد صنعتی^{۱۸}.

این نظام نیز برای حمایت از طب سنتی دارای ایراداتی به شرح ذیل است:

الف) در سطور بالا بیان شد که یکی از شرایط ثبت اختراع داشتن کاربرد صنعتی است، بدین معنا که اختراع مذکور در یکی از رشته‌های مربوط به صنعت قابل ساخت یا استفاده باشد. بنابراین روش‌های درمانی مانند طب سوزنی به دلیل

فقدان معیار کاربرد صنعتی از حیطة اختراعات قابل ثبت خارج هستند، زیرا روش‌های درمانی در واقع نوعی مهارت بوده و قابل ساخت یا استفاده در یکی از رشته‌های مربوط به صنعت نمی‌باشند. بند (ج) ماده (۴) قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب سال ۸۶ نیز روش‌های تشخیص و معالجه بیماری‌های انسان یا حیوان را از حیطة حمایت از اختراع مستثنی کرده است.

ب) معیار جدید بودن با توجه به تعریفی که نظام اختراعات هر کشور از مفهوم دانش پیشین ارایه می‌دهد، تعیین می‌شود. رویه کشورها در زمینه تعریف مفهوم دانش پیشین یکسان نیست. برخی کشورها مانند آمریکا فقط افشای کتبی را جزو دانش پیشین محسوب کرده و افشا به طریق شفاهی یا استفاده عملی را مانع ثبت اختراع نمی‌دانند. همچنین برخی کشورها معیار ملی جدید بودن را برای ثبت اختراع برگزیده‌اند. بنابراین بسته به کشوری که تقاضای ثبت اختراع در آن صورت می‌گیرد، ممکن است طب سنتی جزئی از دانش پیشین تلقی شود یا به عنوان اختراع قابل حمایت باشد. این نکته را باید مدنظر قرار داد که عدم تلقی دانش شفاهی به عنوان دانش پیشین و تحصیل حق اختراع در خصوص طب سنتی بدون رضایت قبلی آگاهانه دارندگان آن برای صاحب حق اختراع ایجاد انحصار کرده که این انحصار از منظر جوامع بومی و محلی دارای دو بعد خواهد بود: اول این که دارنده حقوق انحصاری حق خواهد داشت، شروط انتفاع اشخاص ثالث از جمله جوامع بومی و محلی را از چنین اختراعاتی معین کند؛ ثانیاً: مانع از تحصیل حمایت برای حقوق مالکیت فکری جوامع بومی و محلی و کسب سود از آن می‌شود.^{۱۹}

در این زمینه پیشنهاد شده که پیش شرط "دسترسی معقول" را به عنوان شرطی ضروری برای تشکیل دامنه دانش پیشین قایل باشیم، یعنی اگر روش خاصی برای

یک جامعه یا خبره سنتی شناخته شده، اما به طور معقولی برای سایر افراد قابل دسترسی نیست، نباید به عنوان دانش پیشین تلقی شود.^{۲۰}

پ) مسأله دیگر مفهوم گام ابتکاری است. از نگرانی‌های عمده کشورهای در حال توسعه این مسأله است که طب سنتی توسط سایر کشورها در حالی پتنت می‌شود که یا تغییری در آن داده نشده یا تغییرات بسیار اندک است، زیرا اولاً همان‌طور که بیان شد نیاز نیست گام ابتکاری بسیار بلند و پیچیده باشد، حتی گامی کوچک نیز می‌تواند ابتکاری تلقی شود، ثانیاً در برخی کشورها استفاده یا کاربرد جدید از کالای موجود نیز به عنوان اختراع قابل ثبت است.^{۲۱} در برخی موارد ممکن است آنچه تحت عنوان یک اختراع به ثبت رسیده است فقط یک اکتشاف باشد، زیرا تمایزی بسیار اندک می‌تواند اکتشاف را تبدیل به اختراع و برای صاحب آن ایجاد انحصار کند، مثلاً تجزیه مواد و ارایه آن‌ها به شکلی که قابل استفاده باشد می‌تواند نوعی اختراع تلقی شود.^{۲۲}

ت) "شخص با مهارت عادی" یک فرض قانونی است. ممکن است ادارات ثبت اختراع و دادگاه‌ها با توجه به زمینه فنی مربوط معیارهای مختلفی را اعمال کنند. بنابراین ممکن است آنچه به نظر یک متخصص طب سنتی واضح و آشکار است برای کسی که در زمینه طب غربی فعالیت می‌کند واضح و آشکار نباشد. زیرا این احتمال وجود دارد که ادارات ثبت اختراع و دادگاه‌ها به دلیل اینکه طب سنتی را دانشی معتبر نمی‌شناسند گام ابتکاری را براساس طب غربی ارزیابی کنند. نتیجه وضعیت مذکور این خواهد بود که ممکن است استفاده از گیاهان دارویی که در نظام طب سنتی آشکار و واضح است، ابتکاری و قابل ثبت فرض شود.^{۲۳}

ث) شرایط افشای اطلاعات نیز از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. در حالی که در برخی کشورها مثل آمریکا و کشورهای اتحادیه اروپا شرایط ثبت

اختراع بسیار مشکل است، در سایر کشورهای جهان (مخصوصاً کشورهای در حال توسعه) ترتیبات رسمی ضعیفی برای تضمین تطابق با ملزومات افشا دارند.^{۲۴}

ج) اگر طبق قانون کشوری داروی گیاهی ترکیبی در قلمرو عموم فرض شود و به عنوان اختراع قابل ثبت نباشد، در این صورت کلیه افراد می‌توانند از آن استفاده کرده و بر مبنای آن اختراعی را به ثبت برسانند، بی‌آنکه منافع ناشی از تجاری‌سازی این اختراع را با کشور فراهم کننده منابع ژنتیک تسهیم کنند. در این رابطه این نکته را نیز باید مدنظر قرار داد که جوامع بومی و محلی عمدتاً از لحاظ علمی و فنی در سطوح پایینی بوده و احتمال به ثمر رساندن یک اختراع و ثبت آن توسط خود آنان بسیار پایین است.

از آن جایی که طب سنتی تنها راه ارزان و قابل دسترس درمان برای مردمان جوامع بومی و محلی است. با ایجاد انحصار برای مخترع دسترسی جوامع بومی و محلی به منابع ژنتیک محدود و باعث افزایش هزینه‌های درمان برای آنان خواهد شد.^{۲۵}

راه حلی که در این خصوص پیشنهاد شده این است که در تقاضانامه‌های حق اختراع، کشور منشأ منابع ژنتیک و دانش سنتی مربوط افشا شود. این تقاضا می‌تواند به صرف افشا محدود شود بی‌آنکه عدم افشا خدشه‌ای به اعتبار حق اختراع اعطایی وارد سازد. حالت شدیدتر آن این است که اعطای ورقه حق اختراع منوط به تسلیم مدارک قانونی و معتبری مثل موافقت‌نامه دسترسی به منابع ژنتیک و تسهیم منافع یا مدرک مربوط به تحصیل رضایت آگاهانه قبلی شود.^{۲۶}

ج) اکثر کشورها بر اساس سیستم "اولین تقاضانامه"^{۲۷} عمل می‌کنند، بدین معنا که هر کس زودتر اقدام به تقدیم تقاضانامه ثبت اختراع کرد، وی را به عنوان پدیدآورنده می‌شناسند.

ادارات ثبت اختراع بررسی خود را در خصوص اینکه آیا اختراع جزء دانش پیشین است یا خیر؟ فقط محدود به کشوری می‌کنند که حمایت در آن تقاضا شده است، علی‌رغم این واقعیت که ممکن است اختراع برای مدت‌زمانی طولانی در سایر کشورها در قلمرو عموم بوده باشد.^{۲۸}

ح) نظام حق اختراع نیز مانند نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری رجحان و تمیزی بین فردی که عضو جامعه بوده و اختراعی در خصوص طب سنتی آن جامعه به وجود آورده با فردی که نسبت به جامعه بومی و محلی بیگانه تلقی می‌شود، قایل نیست.

خ) اگرچه افشای طب سنتی اعم از این که در ورقه اختراع یا با عنوان دانش پیشین باشد، آن را از خطر انهدام و نابودی محفوظ می‌دارد.^{۲۹} اما باید این نکته را نیز مدنظر قرار داد که اگر طب سنتی به صورت یک راز نگهداری شده باشد، این نظام گزینه مناسبی برای حمایت از طب سنتی نیست.^{۳۰} از سوی دیگر با افشای کامل طب سنتی سایرین نیز می‌توانند از آن استفاده کرده و در چرخه تجارت قرار دهند، بی‌آنکه حقی برای دارندگان طب سنتی در نظر بگیرند.

د) حق اختراع نیز مانند نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری برای دارنده آن به‌طور موقت ایجاد انحصار می‌کند که البته این دوره حمایتی نیز از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. این انحصار از یک سو به صاحب حق امکان کنترل کامل بر استفاده، تولید و فروش اختراع ثبت شده را می‌دهد، از سوی دیگر صاحب حق اختراع می‌تواند حقوق ناشی از اختراع خویش را به اشخاص ثالث انتقال دهد. حال آنکه حقوق جوامع بومی و محلی به شیوه‌هایی که حقوق مالکیت فکری انتقال داده می‌شوند، فروخته یا انتقال داده نمی‌شوند، زیرا مقررات عرفی معمولاً اجازه واگذاری این حقوق را به اشخاص خارج از جامعه بومی و محلی

نمی‌دهد. هم چنین با توجه به ماهیت خاص طب سنتی مدت حمایت از آن باید نامحدود باشد تا تمامی نسل‌ها از آن بهره‌مند شوند.^{۳۱}

ذ) اختراع فقط در کشورهایی که به ثبت رسیده است مورد حمایت خواهد بود، بدین معنا که اگر مثلاً با استفاده از معاهده PCT اختراعی در پنج کشور به ثبت رسیده باشد، فقط در همان کشورها قابل حمایت بوده و در سایر کشورها افراد می‌توانند بدون گرفتن مجوز از صاحب حق اختراع، از آن استفاده کنند.^{۳۲}

۲-۳- نظام "حقوق نشانه‌های جغرافیایی"^{۳۳}

نشانه‌های جغرافیایی به عنوان علامت بر روی کالاهایی که منشأ جغرافیایی خاصی داشته و کیفیت و اعتبار آن‌ها نشأت گرفته از مکان تولید است، استفاده می‌شود. به عبارت دیگر این علامت بین کالا و منشأ آن یک پل ارتباطی ایجاد می‌کند.^{۳۴} بند (۱) ماده (۲۲) موافقت‌نامه تریپس در تعریف نشانه‌های جغرافیایی مقرر می‌دارد: "علایم و نشانه‌های جغرافیایی، نشانه‌هایی هستند که مبین و نشانگر مبدأ کالا در قلمرو کشور عضو و یا منطقه و مکانی در آن قلمرو بوده به نحوی که بتوان کیفیت خاص، شهرت و یا سایر ویژگی‌های کالا را اساساً به آن مبدأ جغرافیایی منتسب نمود."

کارکرد اصلی نشانه‌های جغرافیایی تعیین منشأ کالاهاست. آن‌ها به یک مکان یا منطقه خاص تولید اشاره می‌کنند که ویژگی‌ها و کیفیات خاصی را به آن کالا اعطا می‌کند. مهم است تأکید کنیم کالا کیفیت و اعتبارش را از مکان تولید می‌گیرد. این علایم می‌تواند اعتبار و ارزش تجاری بالایی را به دست آورند و به همین دلایل ممکن است در معرض دستبرد، سوءاستفاده و جعل قرار گیرند.^{۳۵}

به نظر می‌رسد با توجه به چهارچوب کلی نظام نشانه‌های جغرافیایی بتوان از طب سنتی تحت این نظام حمایت کرد، زیرا هدف این نظام حمایت از ابداعات

نیست، بلکه از اعضای یک گروه یا جامعه که به شیوه‌های سنتی متعلق به آن جامعه یا فرهنگ وفادار بوده، و از خوشنامی و اعتباری که طی سالیان سال یا حتی قرن‌های متمادی کسب کرده‌اند، حمایت کرده و برای آنان ایجاد درآمد می‌کند. اما باید دانست که این نظام نیز مطابق با ماهیت طب سنتی و انتظارات دارندگان آن طراحی نشده است.

الف) اگر طب سنتی به صورت یک راز باقی مانده باشد حمایت از آن تحت نظام نشانه‌های جغرافیایی به نوعی برای جامعه بومی و محلی صاحب آن انحصار به وجود خواهد آورد، زیرا سایر افراد خارج از جامعه قادر به استفاده از آن به هیچ نحوی نخواهند بود. اما متأسفانه در اکثر موارد طب سنتی نه فقط برای اعضای جامعه بلکه برای اشخاص خارج از جامعه هم شناخته شده است، بنابراین سایرین می‌توانند به انحصار مختلف از طب سنتی استفاده کنند بی آنکه جوامع بومی و محلی را در منافع ناشی از تجاری‌سازی آن سهیم سازند. فقط در صورتی که طب سنتی عمیقاً با نشانه جغرافیایی ادغام شده باشد، امکان استفاده سایرین وجود نخواهد داشت.^{۳۶}

از سوی دیگر هدف نظام نشانه‌های جغرافیایی حمایت از نام کالاها و خدمات است. بنابراین حتی اگر طب سنتی به صورت راز بوده باشد، مکانیزمی برای حفظ محرمانگی آن در این نظام مقرر نشده است.^{۳۷}

ب) مسأله مالکیت نشانه‌های جغرافیایی نیز بسیار حایز اهمیت است. علی‌الاصول و با توجه به مبنای حمایت از این نشانه‌ها، مقررات حمایتی بایستی به منظور حمایت از تولیدکنندگان واقعی نشانه‌های جغرافیایی باشد. در این صورت و چنانچه قصد قانون حمایت از تولیدکنندگان واقعی است، مالکیت نشانه‌های جغرافیایی نیز انحصاراً باید با آنان باشد. اما آنچه از بررسی قوانین گوناگون

برمی‌آید این است که در بیشتر موارد، معامله‌کنندگان و تجار هم تحت شمول تعریف تولیدکنندگان یا افرادی که از نظر قانونی قادر به ثبت نشانه‌های جغرافیایی یا اقامه دعوا در خصوص آن‌ها هستند، می‌باشند. در قوانین برخی کشورها مانند تایلند، اندونزی و هند حتی به مصرف‌کنندگان و آژانس‌های دولتی نیز اجازه ثبت نشانه‌های جغرافیایی داده شده است. مداخله تجار و معامله‌کنندگان به عنوان مالک، بازتاب منافع تاجر است، به عبارت دیگر در این قوانین منفعت تجار نیز در نظر گرفته شده تا چنانچه دارندگان واقعی طب سنتی مبادرت به ثبت نشانه‌های جغرافیایی مربوط نکردند منافع تجار و معامله‌کنندگان به خطر نیفتد. در مقررات بین‌المللی نیز این مسأله پیش‌بینی شده است. دلیل چنین اجازه‌ای به مصرف‌کنندگان و آژانس‌های دولتی می‌تواند ماهیت بی‌نهایت از هم گسیخته و شرایط اجتماعی، اقتصادی ضعیف تولیدکنندگان واقعی باشد. این مسأله چندان با انتظارات و نیازهای جوامع بومی و محلی سازگار نیست، زیرا همان‌طور که پیش از این نیز بیان شد، این جوامع تمایلی به مالکیت افراد خارج از جامعه نسبت به طب سنتی خویش ندارند.

طبق ماده (۷) قانون حمایت از نشانه‌های جغرافیایی ایران: "اظهارنامه ثبت نشانه جغرافیایی، توسط اشخاص زیر به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تسلیم می‌شود:

الف) هر شخص حقیقی یا حقوقی و هم‌چنین گروه‌هایی از این اشخاص که در مکان جغرافیایی مندرج در اظهارنامه به تولید کالای مذکور در آن مشغولند.

ب) هر مرجع صلاحیت‌دار در امر تولید، توزیع و سیاست‌گذاری کالای مورد ثبت".

همچنین در ماده (۲) قانون فوق‌الذکر آمده است: "هر شخص یا هر گروه

ذینفع می‌تواند در خصوص نشانه‌های جغرافیایی به منظور جلوگیری از اعمال زیر یا مطالبه ضرر و زیان ناشی از آن‌ها در دادگاه اقامه دعوی نماید...".

با این حال بیشتر قوانین حق استفاده از نشانه‌های جغرافیایی را به افرادی محدود کرده‌اند که کالاها را واقعاً در منطقه جغرافیایی مشخص شده تولید و تجارت می‌کنند. این مسأله قصد دارد که تضمین کند منافع اقتصادی، اجتماعی نشانه‌های جغرافیایی به استفاده‌کنندگان واقعی آن و نه واسطه‌ها می‌رسد.^{۳۸}

پ) برای حمایت از نشانه‌های جغرافیایی در سطح بین‌المللی، حمایت قانون داخلی کشور مبدأ از آن نشانه ضروری است. اعضا تعهدی به حمایت از نشانه‌های جغرافیایی که طبق قانون داخلی کشور مبدأ حمایت نشده‌اند، ندارند، اعم از این که حمایت در کشور مبدأ موقوف یا متروک شده باشد.^{۳۹} بنابراین اگر جوامع بومی و محلی بخواهند از نظام نشانه‌های جغرافیایی برای حمایت از طب سنتی خویش استفاده کنند، ابتدا باید حمایت نظام حقوقی کشور خویش را در رابطه با آن نشانه به دست آورند تا ضامن حمایت در سایر کشورها نیز باشد.

ت) طب سنتی دانشی جمعی بوده که گاهی به دلیل توسعه موازی یا مبادله دانش، جوامع با اکوسیستم مشابه دانش مشابه یا یکسانی دارند. بنابراین تعیین این که کدام جامعه مالک اصلی آن است بسیار مشکل می‌باشد.

۲-۴- نظام "حقوق علائم تجاری"^{۴۰}

طبق ماده (۱۵) موافقت‌نامه تریپس، علامت تجاری نشانه یا ترکیبی از علائم است که کالاها و خدمات یک مؤسسه را از کالاها و خدمات مؤسسه دیگر متمایز می‌گرداند.^{۴۱} بند (الف) ماده (۳۰) قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری نیز تعریف مشابهی از علامت ارایه کرده است.

نظام حقوق علائم تجاری بر دو اصل ایجاد تمایز و ممانعت از گمراهی بنا شده است. منظور از تمایز این است که علامت تجاری شبیه هیچ کلمه، عبارت، سمبل، طرح و... دیگری در رابطه با یک کالا یا مشابه نباشد. به عبارت دیگر کالاها و خدمات یک شرکت را از کالاها و خدمات شرکت‌های دیگر متمایز سازد.^{۴۲} جلوگیری از گمراهی نیز بدین معنا است که مشتریان نسبت به منشأ یا تولیدکننده آن محصول گمراه نشده و این تصور برای آنان ایجاد نشود که محصول مورد نظر در منطقه‌ای خاص تولید شده یا شرکت خاصی تولیدکننده آن است.^{۴۳}

علامت تجاری دارای چهار کارکرد عمده است: ۱. کالاها و خدمات یک مؤسسه را از مؤسسات دیگر متمایز نموده و انتخاب کالا را برای مشتری تسهیل می‌نماید. ۲. به شرکت خاصی که کالاها یا خدمات را ارائه داده اشاره می‌کند که ممکن است برای مشتری شناخته شده نباشد. ۳. به کیفیت خاص کالا یا خدمات اشاره می‌کند که با توجه به آن، این اطمینان در مشتری پدید می‌آید که محصول خریداری شده از کیفیت مورد انتظار برخوردار است. ۴. بازاریابی و فروش محصول را اشاعه می‌دهد.^{۴۴}

حمایت از طب سنتی تحت نظام علائم تجاری دارای دو ایراد عمده است:

الف) هدف نظام علائم تجاری ایجاد تمایز میان کالاها و ممانعت از گمراهی عموم مردم نسبت به منشأ تولید آن است. به عبارت دیگر هدف این نظام حمایت از طب سنتی موجود در آن نیست، بدین معنی که اشخاص ثالث می‌توانند از طب سنتی که تحت نظام علائم تجاری حمایت شده استفاده کنند، بی‌آنکه حقی برای جوامع بومی و محلی در این خصوص در نظر بگیرند.^{۴۵}

ب) اگر طب سنتی به صورت یک راز حفظ شده است، حمایت تحت نظام علائم تجاری مناسب نیست، زیرا در این نظام مقررهای برای حفظ محرمانگی طب

سنتی وضع نشده و اشخاص ثالث در صورت دسترسی به آن می‌توانند از آن استفاده کنند، بی‌آنکه حقی برای جوامع بومی و محلی نسبت به آن در نظر بگیرند.

۲-۵- نظام "حقوق اسرار تجاری"^{۴۶}

در تعریف اسرار تجاری آمده است که هرگونه اطلاعات محرمانه‌ای که برای یک شرکت برتری رقابتی ایجاد کند می‌تواند به عنوان یک راز تجاری تلقی شود. برای این که بر این اطلاعات عنوان اسرار تجاری صدق کند باید دارای سه شرط باشند:

۱- به این معنا محرمانه باشد که اشخاص متخصص در این امر که معمولاً با این نوع اطلاعات سروکار دارند عموماً از آن آگاهی نداشته یا دسترسی این اشخاص به اطلاعات مزبور به سادگی امکان‌پذیر نباشد.

۲- به خاطر محرمانه بودنش دارای ارزش تجاری باشد.

۳- تلاش‌های معقولی برای حفظ آن به عنوان یک راز صورت گرفته باشد.^{۴۷}

محدودیت‌های این نظام درخصوص حمایت از طب سنتی از قرار ذیل می‌باشد:
الف) معیار مشخص و ثابتی درخصوص تعیین محرمانگی اطلاعات وجود ندارد، مثلاً اگر اعضای درون یک جامعه از یک شیوه درمانی یا ترکیب مطلع باشند، آیا این اطلاعات به عنوان راز تجاری تلقی خواهد شد یا خیر^{۴۸}؟

ب) همان‌طور که بیان شد، یکی از شروط حمایت از اطلاعات تحت نظام اسرار تجاری این است که تلاش‌های معقولی در راستای حفظ محرمانگی آن صورت گرفته باشد. بنابراین طبق این شرط اگر دارندگان طب سنتی بخواهند از دارایی فکری خویش تحت نظام اسرار تجاری حمایت کنند باید تلاش‌های معقولی را برای حفظ محرمانگی آن انجام داده باشند، در غیر این صورت طب سنتی تحت

این نظام قابل حمایت نخواهد بود^{۴۹}.

پ) حمایت از طب سنتی تحت نظام اسرار تجاری تا زمانی امکان‌پذیر است که اطلاعات مذکور به صورت راز باقی بماند. زمانی که این راز برای عموم افشا شود، اعم از اینکه توسط فردی کشف شود یا با مهندسی معکوس این اطلاعات به دست آید، این نظام دیگر کاربرد نخواهد داشت. فقط در صورت نقض اعتماد و دیگر اقدامات مغایر با روش‌های تجاری صادقانه جوامع بومی و محلی می‌توانند علیه متجاوز طرح دعوی کنند. مثلاً دارندگان طب سنتی از طریق انعقاد قرارداد مبادرت به انتقال طب سنتی خویش کرده و در قرارداد قید می‌شود که شخص منتقل‌الیه موظف است این اطلاعات را به صورت محرمانه حفظ کند، اما وی به افشای آن مبادرت می‌ورزد. مسأله دیگر این است که برای طرح دعوی و گرفتن خسارت نیز زیان‌دیده باید سوء نیت طرف مقابل را اثبات کند، امری که ممکن است به سهولت امکان‌پذیر نباشد^{۵۰}.

ت) تشخیص اینکه راز تجاری از جوامع بومی و محلی صاحب آن سرقت شده یا به هر نحو دیگر، بدون مجوز اعم از قانونی یا قراردادی نقض گردیده، بسیار مشکل و در پاره‌ای موارد حتی می‌تواند غیرممکن باشد؛ چرا که: ممکن است با توجیهاتی هم چون مهندسی معکوس از اقناع وجدان دادرس درمانند (السان، ۱۳۸۷، ص ۳). باید توجه داشت جوامع بومی و محلی آشنایی چندانی با مسایل قانونی و حقوقی نداشته و احتمالاً قادر به دفاع از حقوق خویش و اجرا کردن آن نخواهند بود.

ث) در برخی کشورها مانند ایران که فاقد سابقه روشن در زمینه جرایم علیه اسرار تجاری‌اند، حمایت از طب سنتی تحت این نظام چندان مناسب نیست؛ زیرا مشکل نحوه پیگرد و دادرسی این جرایم به‌طور قطع از مسایل اساسی خواهد بود،

مخصوصاً با توجه به اینکه رویه قضایی و عملی خاصی در این باره شکل نگرفته است (همان).

ج) همان‌طور که بیان شد در نظام حقوقی ایران مقررات جامع و کاملی در خصوص حمایت از اسرار تجاری وجود ندارد. از جمله ایرادات نظام حقوقی کشور ما در باب حمایت از اسرار تجاری در ماده (۵) قانون مجازات اسلامی متبلور می‌شود. طبق این ماده: "هر ایرانی یا بیگانه‌ای که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرایم ذیل شود و در ایران یافت شود و یا به ایران مسترد گردد طبق قانون مجازات جمهوری اسلامی ایران مجازات می‌شود...".

این ماده شامل جرایم عمده علیه اسرار تجاری، همانند نقض حقوق اسرار تجاری و صنعتی ملی توسط اتباع سایر کشورها نمی‌شود و هرگونه تفسیر موسعی در این باره حداقل با صراحت ماده (۵) قانون مذکور و اصول حقوق کیفری منافات خواهد داشت (همان، صص ۴-۳).

۲-۶- نظام "حقوق رقابت مکارانه"^{۵۱}

طبق ماده ۱۰ مکرر کنوانسیون پاریس، هرگونه اقدام رقابتی مغایر با رویه‌های صادقانه در مسایل صنعتی یا تجاری یک اقدام رقابت مکارانه را تشکیل می‌دهد.

مصادیق رقابت نامشروع نیز در بند ۳ این ماده ذکر شده است:

- هر عملی که به نحوی از انحا با مؤسسه یا محصولات یا فعالیت صنعتی یا تجاری رقیب ایجاد اشتباه بنماید.

- مشخصات و اظهاراتی که به کار بردن آن در بازرگانی موجب اشتباه عامه راجع به ماهیت، طرز ساخت، صفات ممیزه جنس، قابلیت استعمال و یا کیفیت کالا گردد.

- اظهارات خلاف واقع در کار تجارت به نحوی که اعتبار مؤسسه یا محصولات یا فعالیت صنعتی یا تجاری رقیب را از بین ببرد.^{۵۲}

ایراد نظام رقابت مکارانه در خصوص حمایت از طب سنتی این است که تعیین آنچه که عنوان رقابت را شکل می‌دهد می‌تواند متغیر باشد، چرا که این معیار جنبه داخلی داشته و توسط قانونگذاری هر کشوری مشخص می‌شود. هم چنین معیار مشخصی نیز در رابطه با اینکه چه اقداماتی مغایر با رویه‌های صادقانه در امور صنعتی و تجارتي است، وجود ندارد.^{۵۳} بنابراین امکان حمایت هماهنگ از طب سنتی در برابر رقابت مکارانه در سطح بین‌المللی وجود نخواهد داشت.

۳- طراحی نظام خاص حمایت از طب سنتی

نظر به مراتب فوق باید در پی طراحی نظام خاص حمایت از طب سنتی بود. در رابطه با مفهوم نظام خاص باید گفت، "sui generis" یک واژه لاتین به معنای "از نوع خود" (its own kind) است. نظام خاص نیز به مفهوم نظامی است که جهت پاسخ‌گویی به الزامات و نیازهای یک موضوع ویژه به‌طور مشخص طراحی شده است. بسیاری معتقدند که برای حمایت از دانش سنتی و فولکلور - به‌طور عام و طب سنتی به‌طور خاص - نیز باید نظام خاص طراحی شود. به عبارت دیگر حمایت از حقوق مالکیت فکری اجتماعات بومی و محلی می‌بایستی تحت نظام خاصی صورت گیرد که متفاوت از مکانیسم جاری نظام حقوق مالکیت فکری باشد. این مسأله در سازمان جهانی مالکیت فکری و مخصوصاً کمیته بین‌الدولی مالکیت فکری، منابع ژنتیک، دانش سنتی و فولکلور نیز مورد بحث و بررسی‌های فراوان قرار گرفته و پیش‌نویس موادی نیز در خصوص حمایت از آن آماده شده است که از جمله می‌توان به پیش‌نویس موادی در رابطه با حمایت از نموده‌های

فرهنگی سنتی، دانش سنتی و منابع ژنتیک اشاره کرد.^{۵۴} در آخرین نشست که از ۱۵ تا ۲۴ جولای ۲۰۱۳ به طول انجامید پیش‌نویس موادی در ارتباط با حمایت از نمودهای فرهنگی سنتی مورد بحث و گفتگو قرار گرفت.^{۵۵} در طراحی نظام خاص برای حمایت از طب سنتی می‌توان از مکانیزم‌های حمایت مثبت، حمایت تدافعی یا ترکیبی از هر دو بهره جست. البته باید این نکته را مدنظر قرار داد که نظامات طب سنتی از کشوری به کشور دیگر و از منطقه‌ای به منطقه دیگر متفاوت است، همچنین شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشورها و ظرفیت علمی و تکنولوژیکی آن‌ها نیز با یکدیگر تفاوت دارد. بنابراین مسلماً یک نظام خاص مناسب تمام جوامع نخواهد بود و هر کشوری باید با توجه به شرایط و امکاناتی که دارد به طراحی نظام مطلوب خویش پردازد. با این حال در نظر گرفتن یک سری معیارها به منظور طراحی نظام خاص در هر زمینه‌ای و در هر کشوری ضروری است. این معیارها عبارتند از: هدف از حمایت، موضوع حمایت، معیارهای حمایت، تشریفات حمایت، صاحبان حقوق، مستثنیات حقوق اعطایی، انقضای حقوق، ضمانت اجرا، انعقاد قرارداد. در ذیل به تشریح این موارد می‌پردازیم.

۱-۳- هدف حمایت

نخستین مسأله‌ای که در طراحی نظام خاص باید به دقت مشخص شود هدف از طراحی نظام حمایتی است. به عبارت دیگر با طراحی نظام خاص برای حمایت از طب سنتی در پی برآوردن چه ضرورتی هستیم؟ آیا صرفاً به دنبال حفاظت از آن در برابر خطر انهدام و نابودی هستیم؟ آیا به دنبال ممانعت از وقوع سرقت زیستی در اشکال مختلف آن هستیم؟ آیا درصدد کسب حقوقی مانند حق مالکیت یا حق تقدم نسبت به آن هستیم؟ یا هدف ما حمایت جامعی از طب سنتی است، بدین معنا

که هم آن را از خطر نابودی و انهدام نجات دهیم، هم مانع از وقوع سرقت زیستی نسبت به آن شده و هم حقوق جوامع بومی و محلی را نسبت به آن به رسمیت بشناسیم. همان‌طور که بیان شد پاسخ به این پرسش‌ها با توجه به ظرفیت‌ها و محدودیت‌ها و شرایط جوامع مختلف، متفاوت است. ممکن است کشوری در سیاست‌گذاری‌های خود یک یا تمام این اهداف را مدنظر قرار دهد.

با این حال علی‌رغم تمام تفاوت‌های مذکور در فوق، کلیه نظامات حمایت از طب سنتی دارای یک وجه اشتراک می‌باشند و آن حق ممانعت سایرین از تحصیل حقوق مالکیت فکری نسبت به موضوع مورد حمایت است. چنین تجانسی اتصال بین‌المللی نظامات ملی حمایت از طب سنتی برای ممانعت از تحصیل غیرمجاز بین‌المللی و تسهیل تسهیم منافع ناشی از آن را امکان‌پذیر خواهد ساخت.^{۵۶}

۲-۳- موضوع مورد حمایت

پس از تعیین هدف از طراحی نظام خاص طب سنتی، مرحله بعد تعیین موضوع حمایت است. آیا می‌خواهیم کل نظامات طب سنتی را مورد حمایت قرار دهیم یا بخش‌هایی از آن را. مثلاً آیا فقط داروهای گیاهی مورد حمایت باشد یا روش‌های درمانی هم چون رایحه درمانی، ماساژ درمانی و... نیز مورد حمایت قرار گیرد؟ در این خصوص باید بررسی کرد که کدام بخش از طب سنتی بیشتر در معرض سوءاستفاده است؟ کدام بخش‌های طب سنتی قابل تجاری‌سازی است؟ یا حمایت از چه بخش‌هایی به پیشرفت و توسعه جامعه و ایجاد درآمد برای اعضای آن کمک می‌کند؟ از سوی دیگر در خصوص میزان حمایت از اقسام طب سنتی نیز می‌توان قایل به تفکیک شد. مثلاً در خصوص حمایت از داروهای گیاهی یا طب سوزنی که دارای ارزش تجاری بالاتری است می‌توان حمایت بیشتری و برای

نقض حقوق مربوط به آنان ضمانت اجرای شدیدتری نسبت به سایر بخش‌های طب سنتی وضع کرد.

در این زمینه می‌توان از قانون مالکیت ادبی و هنری و حق اختراع نیز مدد گرفت. در نظام مالکیت ادبی و هنری از طریق تمثیل موضوع مورد حمایت مشخص می‌شود، اما در نظام حق اختراع مفهوم کلی اختراع ذکر شده که در عمل بر موارد منطبق می‌شود.^{۵۷}

۳-۳- معیارهای حمایت

گام بعدی تعیین معیارهای حمایت است؛ به عبارت دیگر: در مرحله قبل مشخص شد که مثلاً نظام خاص به منظور حمایت از داروهای گیاهی مقرر شده است، حال در این مرحله باید بیان کنیم که داروی گیاهی باید دارای چه ویژگی یا ویژگی‌هایی باشد که تحت این نظام مورد حمایت قرار گیرد.

برای مثال: قانون پاناما از دو معیار برای حمایت استفاده کرده است: بیان هویت فرهنگی یک جامعه خاص، امکان بهره‌برداری تجاری. طبق معیار بیان هویت فرهنگی، فقط آن بخشی از دانش سنتی تحت حمایت نظام خاص قرار می‌گیرد که نشان‌دهنده فرهنگ یک کشور باشد. به عبارت دیگر عناصری از دانش سنتی که در فرآیند صنعتی یا تجاری‌سازی این ارتباط را از دست داده‌اند، تحت این نظام قابل حمایت نخواهند بود. معیار دوم امکان استفاده تجاری است، بدین معنا که دانش سنتی که قابل استفاده تجاری نباشد، نباید تحت شمول نظام خاص قرار گیرد، زیرا کمتر احتمال دارد اشخاص ثالث خود را درگیر استفاده غیرمجاز از دانش سنتی کنند که دارای کاربرد صنعتی یا تجاری نیست.^{۵۸}

۴-۳- تشریفات حمایت

در این زمینه دو راهکار وجود دارد: یکی حمایتی که خود به خود بدون نیاز به طی مراحل تشریفات خاصی از موضوع حمایت ناشی می‌شود، مانند نظام حق مؤلف. دوم حمایت مبتنی بر تشریفات که در آن تقاضای ثبت طب سنتی می‌شود، مانند نظام حق اختراع. رویکرد نخست بیشتر درخصوص نمودهای فولکلور کاربرد دارد، اما رویکرد دوم قادر به حمایت از محتوای طب سنتی نیز می‌باشد.^{۵۹}

۵-۳- صاحبان حق

شاید سخت‌ترین مرحله در طراحی نظام خاص تعیین صاحبان حق باشد. اصولاً حقوق مالکیت فکری به اشخاص حقیقی مبتکر مانند نویسندگان، مخترعان، طراحان و غیره اعطا می‌شود. اما طب سنتی نتیجه خلاقیت و ابتکار مردمان یک جامعه در طول تاریخ است. بنابراین حقوق ناشی از آن نیز باید به جامعه تعلق گیرد. این هویت مشترکی که مالک و مسؤول طب سنتی شناخته شده، باید دارای شخصیت حقوقی باشد تا بتواند در موارد نقض به منظور دفاع از حقوق خویش اقدام دعوا کند. در این زمینه از نظام علایم جمعی نیز می‌توان مدد گرفت.^{۶۰}

گاهی ممکن است مجموع صاحبان حق از مرزهای ملی فراتر رفته و به صورت منطقه‌ای دربیاید، بدین صورت که مجموع اجتماعات بومی و محلی پراکنده در اطراف مرزهای ملی چند کشور را دربر گیرد. در این مورد هم می‌توان مالکیت مشاع بین جوامع برقرار کرد یا اینکه هریک از جوامع قانون خود را در حمایت از طب سنتی داشته باشد.

در صورت برقراری مالکیت مشاع بین جوامع، نکته حائز اهمیت این است که

منافع ناشی از تجاری‌سازی طب سنتی باید به نحو منصفانه‌ای بین این جوامع تقسیم شود، در غیر این صورت ممکن است نزاع‌هایی بین جوامع بروز کرده و ادعاهای جدیدی مطرح شود که مانع از حمایت مؤثر از طب سنتی و حقوق دارندگان آن شود. به علاوه تسهیم منصفانه منافع بین جوامع تضمین خواهد کرد که منافع به دست افراد نیازمند رسیده و انگیزه‌های حفاظتی افزایش می‌یابد.

گاهی جامعه‌ای که پاسدار طب سنتی است، فراتر از مرزهای ملی می‌رود. در این صورت جامعه مذکور نیازمند این خواهد بود که از لحاظ حقوقی در آن کشورها مورد شناسایی قرار گیرد. حال مسأله این است که آیا جامعه مذکور در هر دو کشور از شخصیت قانونی مشابهی برخوردار خواهد بود یا خیر؟^{۶۱}

۳-۶- مستثنیات حقوق اعطایی

منظور از مستثنیات حقوق اعطایی این است که در مواردی افراد بتوانند بدون نیاز به اخذ اجازه از دارندگان طب سنتی و پرداخت مبلغی بابت حق‌الزحمه و غیره از طب سنتی استفاده کنند.

در واقع ویژگی مشاع بودن طب سنتی خدشه‌ای به ماهیت خصوصی آن وارد نمی‌سازد. بنابراین همان‌طور که حقوق مالکیت فکری در کلیه نظامات خویش تلاش نموده تا میان منافع اشخاص خصوصی در بهره‌مندی از آثار فکری خویش و حقوق جامعه در دسترسی به اطلاعات تعادل برقرار کند در نظام خاص طب سنتی نیز باید این معیار را در نظر گیرد. در واقع مانند سایر حقوق مالکیت فکری حقوق طب سنتی نیز نباید به روشی اجرا شود که به منافع جامعه آسیب برساند. بنابراین این نظام نیز مانند سایر نظامات مالکیت فکری باید مشروط به استثنائاتی باشد.^{۶۲}

مثلاً در قانون برزیل اقدامات ذیل از مستثنیات حقوق اعطایی است:

- اقدامات انجام شده توسط اشخاص ثالث با هدف استفاده شخصی یا غیرتجاری، به نحوی که مضر به منافع اقتصادی صاحبان حق اختراع نباشد.
- انجام اقداماتی توسط اشخاص ثالث به منظور انجام آزمایش در رابطه با مطالعه یا تحقیق علمی و فنی^{۶۳}.

۷-۳- ضمانت اجرا

این مرحله از مهم‌ترین مراحل طراحی نظام خاص است؛ زیرا در صورت فقدان ضمانت اجرا هیچ‌کدام از ترتیبات فوق در حمایت از طب سنتی و حقوق دارندگان آن اثری نخواهد داشت. در این زمینه می‌توان راهکارهای اتخاذ شده توسط قانون برزیل را به عنوان نمونه ذکر کرد.

در این قانون موارد ذیل به عنوان ضمانت اجرای نقض حقوق دارندگان طب سنتی ذکر شده است:

- جریمه نقدی،
- ضبط نمونه‌های میراث ژنتیکی و ابزارهایی که در پروسه تولید محصول مبتنی بر دانش سنتی استفاده شده است،
- ضبط محصول ناشی از میراث ژنتیکی یا دانش سنتی مربوط،
- ممانعت از فروش محصول ناشی از نمونه میراث ژنتیکی یا دانش سنتی مربوط و ضبط آن،
- توقیف فعالیت،
- ممانعت کلی یا جزئی از تأسیس، فعالیت و تصدی،
- ممانعت از ثبت، اعطای حق اختراع، قرارداد لیسانس،
- ابطال ثبت، حق اختراع، قرارداد لیسانس،

– ممانعت از انعقاد قرارداد با بخش دولتی برای مدتی بیش از ۵ سال^{۶۴}.

۳-۸- انعقاد قرارداد

در حقوق قراردادهای اصل آزادی طرفین حاکم است، بدین معنا که متعاقدین می‌توانند هر شرطی را که تمایل دارند در قرارداد بگنجانند. اما به کاربردن این اصل در خصوص قراردادهایی که یکی از طرفین آن مردمان بومی و محلی به عنوان دارندگان طب سنتی‌اند، چندان درست به نظر نمی‌رسد، زیرا اطلاعات حقوقی این جوامع محدود بوده و در روند مذاکرات از قدرت چانه‌زنی اندکی برخوردارند و ممکن است در عمل نتوانند حقوق خود را اجرا کنند. بنابراین عقل سلیم حکم می‌کند قانون به کمک آنان بشتابد تا عدالت برقرار شود. در این زمینه راهکار اتخاذ شده توسط قانون پرو قابل توجه است.

طبق این قانون قراردادهای باید مکتوب بوده و توسط آژانس مالکیت فکری به ثبت برسند. این قانون دو نرخ حداقل حق‌الامتیاز نیز ایجاد کرده است. طبق این قانون باید قبل از وضع مالیات معادل حداقل ۱۰ درصد فروش انبوه کالای مبتنی بر دانش سنتی برای صندوق توسعه مردم بومی کنار گذاشته شود، مگر طرفین براساس میزان استفاده مستقیم از دانش مذکور، میزان تأثیر آن بر تولید محصول نهایی و اثر دانش مذکور بر کاهش هزینه‌های فعالیت‌های تحقیق و توسعه بر مبلغ بیشتری توافق کنند. هم‌چنین موافقتنامه ليسانس باید دربرگیرنده حق‌الزحمه‌ای برای مردم بومی به دلیل استفاده از دانش آنان باشد. چنین حق‌الزحمه‌ای باید شامل پرداخت نقدی اولیه یا دیگر پرداخت‌های مشابه برای توسعه پایدار و معادل حداقل ۵ درصد فروش انبوه کالای ناشی از دانش سنتی باشد^{۶۵}.

۳-۹- انقضای حقوق

در این خصوص دو رویکرد وجود دارد: یکی اینکه مدت حمایت را مانند نظاماتی چون حق اختراع و حق مؤلف محدود به زمان معینی کنیم. دیگر این که مانند نظام نشانه‌های جغرافیایی و علائم تجاری برای آن قائل به محدودیت زمانی نشویم. به نظر می‌رسد با توجه به اینکه طب سنتی میراث فرهنگی یک کشور محسوب می‌شود، بهتر است مدت حمایت از آن فاقد محدودیت زمانی باشد.

نتیجه

طب سنتی میراثی ماندگار و گرانمایه از حاصل تجربیات پیشینیان در جستجوی یافتن راهی برای مبارزه با بیماری‌ها و درمان آن‌ها است که امروزه از جمله دارایی‌های فکری یک کشور شناخته می‌شود. در سال‌های اخیر با آشکار شدن مضرات داروهای شیمیایی بر بدن انسان، جهان بار دیگر به استفاده از داروهای گیاهی و خدمات طب سنتی روی آورد که این مسأله اگرچه از یک سو باعث رشد و بالندگی و اشاعه هر چه بیشتر طب سنتی شده اما از سوی دیگر زمینه سوءاستفاده از آن را نیز فراهم آورده و سرقت‌های زیستی متعددی را رقم زده است. مسایل مذکور جوامع و نهادهای ملی و بین‌المللی را بر آن داشته تا در جستجوی راهی برای حمایت از آن برآیند. در این میان نظام مالکیت فکری به عنوان نظامی که با هدف حمایت از اندیشه‌ها و افکار بشری پا به عرصه جهان حقوق نهاده، به نحو شایسته قادر به حمایت از طب سنتی که نوعی دارایی فکری محسوب می‌شود، نبوده و حتی به عقیده برخی از مردمان جوامع بومی و محلی کشورهای در حال توسعه بعضاً تحصیل غیرمجاز آن را نیز تسهیل می‌کند. بنابراین باید در جستجوی طراحی نظام خاص حمایتی در خصوص حمایت از طب سنتی بود. در این مقاله از یک سو ایرادات و نارسایی‌های ابزارهای کنونی نظام مالکیت فکری در حمایت از طب سنتی بیان کردیم و از سوی دیگر به ترسیم چهارچوب کلی نظام خاص حمایت از طب سنتی پرداختیم. با این حال باید دانست که در این زمینه قانونگذاری در سطح ملی به تنهایی کافی و وافی به مقصود نیست، بلکه در سطح بین‌المللی نیز باید اقدامات الزام آوری در این راستا صورت گیرد.

پی‌نوشت‌ها

1. Traditional Medicine
 2. WHO, “*Legal Sstatus of Traditional Medicine and Complementary / Alternative Medicine*”, 2001, available at: <<https://www.whqlibdoc.who.int/hq/2001>>, last visited 2012, p2
 3. Complementary Medicine
 4. Alternative Medicine
 5. WHO, “*Regional Strategy for Traditional Medicine in the Western pacific*”, 2002, available at: <<https://www.wpro.who.int/NR/rdonlyres>>, last visited 2012, p 4
 6. Bio-piracy
 7. Christoph Beat Graber, Martin A Girsberger, “*Traditional Knowledge at the International Level: Current Approaches and Proposals for a Bigger Picture That Include Cultural Diversity*”, 2006, available at: <https://www.unilu.ch/files/traditional-knowledge>, last visited 2012, p8
۸. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه رک:
- Commission on Intellectual Property Rights, **Integrating Intellectual Property Rights and Development Policy, Chapter 4, Traditional Knowledge and Geographical Indications**, 2002, available at: <<https://www.iprcommission.org/papers/pdfs>>
9. Literary and Artistic Property Law
 ۱۰. برای اطلاعات بیشتر رک: خوبکار، محمود، سیاست‌گذاری مالکیت فکری در زمینه دانش سنتی و فولکلور، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، ۱۳۸۲، صص ۵۷-۵۱ و نیز
- WIPO, “*Intellectual Property and Traditional Cultural Expressions / Folklore*”, 2002, available at: <<https://www.wipo.int/freepublications/en/tk>>, last visited 201۲, p3
۱۱. برای اطلاعات بیشتر رک: خوبکار، همان، ص ۵۱ و نیز:
- WIPO, “*Intellectual Property and Traditional Cultural Expressions / Folklore*”, op.cit, p3
۱۲. برای اطلاعات بیشتر رک: خوبکار، همان، صص ۵۸-۵۳ و نیز:
- SmallaCombeSonia, Davis Michael, Quiggin Robynne, Christie Michael, Craige Donna, Cronin Darryl, Davies Jocelyn, Douglas Josephine, Duffy Michael, Edwards Tahnia, Evans Louis, Guy Josie, Jordan Lucas, Muir Kado, Ravey Margaret, Rea Kathy, Sherwood Juanita, “*Desert Knowledge CR, Scoping Project on Aboriginal Traditional Knowledge*”, 2007, available at: <<https://www.desertknowledgecerc.com/au/-resources/DK>>, last visited 2012 pp42-43

13. Djims, Milius, “*Justifying Intellectual Property in Traditional Knowledge*”, available at: <http://www.-privatelaw.uct.ac.za/usr/private_law> , last visited 2012 , pp 203-204
14. Patent Law
15. WIPO, **Understanding Industrial Property**, ,available at: <https://www.wipo.int/free_publications/en>,last visited 2012, P5
16. Novelty
17. Inventive Step
18. Industrial Applicability
19. CIEL, “*the gap between indigenous peoples demand and wipos framework on traditional knowledge*”,2007, available at: <<https://www.wipo.int/export/sites>>, last visited 2012, pp 4-5
20. GuptaAnil K, “*IntellectualProperty for Traditional Knowledge On-Line: Recognizing, Respecting and Rewarding and Innovation at Grassroots*”, 2002, available at: <<https://www.iprsonline.org/resources/tk.htm>>, last visited 2012, p10
21. UdgaonkarSangeeta, “*the Recording of Traditional Knowledge: Will It Prevent Bio-Piracy?*”, 2002, available at: <<http://www.ias.ac.in/currsci/feb252002>>, last visited 2012 p414
22. Ullrich Hanns, “*Traditional Knowledge, Biodiversity, Benefit-Sharing and the Ptent System, Romantics V Economics*”, 2005, available at: <<https://www.iprsonline.org/resources/tk.htm>>, last visited 2012, p6
23. Correa Carlos M, “*Protection and Promotion of Traditional Medicine Implications for Public Health in Developing Countries*”, 2002, available at: <<https://www.apps.who.int/medicinedocs/en>>, last visited 2012, p57
24. MugabeJohn, “*Intellectual Property Protection and Traditional Knowledge, An Exploration in International Policy Discourse*”, available at: <<https://www.wipo.int/tk/en>>, last visited 2012, pp9-10
25. Ngetik Kibet A. , “*Indigenous Knowledge, Alternative Medicine and Intellectual Property Rights Concerns in Kenya*”, 2005, available at: <<https://www.iprsonline.org/resources/tk.htm>>, last visited 2012, p10
26. DutfieldGraham, “*Protecting Traditional Knowledge and Folklore, AReview of Progress in Diplomacy and Policy Formulation*”, 2002, available at: <<https://www.iprsonline.org/resources/docs/dutfield>>, last visited 2012, p 33
27. First to File
28. RagavanSrividhya, “*Protection of Traditional Knowledge*”, available at: <<https://www.law.ou.edu/faculty-/facfile>>, last visited 2012, p13
29. RuizManuel, “*the International Debate on Traditional Knowledge as Prior Art in the Patent System: Issues andOptions for Developing*

- Countries*”, 2002, available at: <[https://www.ciel.org/publications/ - PriorArt_ManuelRuiz](https://www.ciel.org/publications/PriorArt_ManuelRuiz)>, last visited 2012, P 5
30. Hansen Stephen A, VanFleet Justin W, **Traditional Knowledge and Intellectual Property**, 2009, available at: <<https://www.shr.aaas.org/tek/handbook/handbook.pdf>>, last visited 2012, p 10
31. SmallaCombe and Others, op.cit, pp 42-43
32. Mugabe, op.cit, p13
33. Geographical Indications law
34. WIPO, **Understanding Industrial Property**, p14
35. 38Commission of the European Communities, “*Geographical Indications and Trips: 10 Years Later ... A Roadmap for EU Holders to Get Protection in Other WTO Members*”, 2009 , available at: <[https://www -trade.ec.europa.eu/doclib/docs](https://www-trade.ec.europa.eu/doclib/docs)>, last visited 2012, p1
36. Gopalakrishnan N S, “*Exploring the Relationship Between Geographical Indication and Traditional Knowledge : AnAnalysis of the Legal Tools for Geographical Indications Protection in Asia*”, 2007, available at: <https://cirps.cusat.ac.in/resources/geographical_indications.pdf >, last visited 2012, p 4
37. ibid, p4
38. ibid, pp46-47
39. ibid, p23
40. Trade Marks Law
41. WIPO, **Understanding Industrial Property**, p12
42. WIPO, **Intellectual Property Handbook, Policy, Law and Use**, Chapter 2, Fields of Intellectual Property Protection, available at:<<https://www.wipo.int/export/sites/www/about-ip>>, last visited 2012, p71
43. Hansen, VanFleet, op.cit, p 20
44. WIPO, **Understanding Industrial Property**, p 13
45. Hansen, VanFleet, op.cit, pp22-23
46. Trade Secrets Law
47. Verbauwhede Lien, “*Laying the Foundation: Managing Trade Secrets*”, 2002, available at: <[https://www.- wipo.int/edocs/mdocs](https://www.-wipo.int/edocs/mdocs)>, last visited 2012, pp4-9
48. MiliusDjims, op.cit, p203
49. ibid
50. Hansen, VanFleet, op.cit, p 18
51. Unfair Competition Law
52. WIPO, **Intellectual Property Handbook, Policy, law and use**, Chapter 2, Fields of Intellectual Property, p131
53. Milius, op.cit, p 203

۵۴. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه رک: <https://www.wipo.int/tk/en/igc>

۵۵. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه رک:

https://www.wipo.int/edocs/mdocs/tk/en/wipo_grtkf_ic_25/wipo_grtkf_ic_25_4

56. WIPO, "WIPO/GRTKF/5/8", 2003, available at: <<https://www.wipo.int/edocs/mdocs>>, last visited 2012, p48

57. ibid, p50

58. ibid, p50

59. ibid, pp9-10

60. ibid, p51

61. ibid, p52

62. ibid, pp 53-54

63. ibid, p33

64. ibid, p35

65. ibid, p38

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

خوبکار، محمود. (۱۳۸۲). سیاستگذاری مالکیت فکری در زمینه دانش سنتی و فولکلور، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.

زرکلام، ستار. (۱۳۸۷). حقوق مالکیت ادبی و هنری، انتشارات سمت، تهران.

السان، مصطفی. (۱۳۸۷). "جرایم علیه اسرار تجاری"، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تهران.

ب) منابع لاتین

CIEL, "the Gap Between Indigenous Peoples Demand and Wipo Framework on Traditional Knowledge", 2007, available at: <<https://www.wipo.int/export/sites>>, last visited 2012

Commission of the European Communities, "Geographical Indications and Trips: 10 Years Later ... A Roadmap for EU Holders to Get Protection in Other WTO Members", 2009, available at: <<https://www.trade.ec.europa.eu/-/doclib/docs>>, last visited 2012

Correa Carlos M, "Protection and Promotion of Traditional Medicine Implications for Public Health in Developing Countries", 2002, available at: <<https://www.apps.who.int/medicinedocs/en>>, last visited 2012

Dutfield Graham, "Protecting Traditional Knowledge and Folklore: A Review of Progress in Diplomacy and Policy Formulation", 2002, available at: <<https://www.iprsonline.org/resources/docs>>, last visited 2012

- Gopalakrishnan N S, "Exploring the Relationship Between Geographical Indications and Traditional Knowledge: An Analysis of the Legal Tools for Geographical Indications Protection in Asia", 2007, available at: <https://-cirps.cusat.ac.in/resources/geographical_indications.pdf>, last visited 2012
- Grabner Christoph Beat, Girsberger Martin A, "Traditional Knowledge at the International Level: Current Approaches and Proposals for a Bigger Picture That Include Cultural Diversity", 2006, available at: <<https://www.unilu.ch/files/traditional-knowledge>>, last visited 2012
- Gupta Anil K, "Intellectual Property for Traditional Knowledge on Line: Recognizing, Respecting and Rewarding and Innovation at Grassroots", 2002, available at: <<https://www.iprsonline.org/resources/tk.-htm>>, last visited 2012
- Hansen Stephen A, VanFleet Justin W, Traditional Knowledge and Intellectual Property, 2009, available at: <<https://www.shr.aaas.org/tek-/handbook>>, last visited 2012
- <https://wipo.int/tk/en/igc>, last visited 2013
- https://www.wipo.int/edocs/mdocs/tk/en/wipo_grtkf_ic_25/wipo_grtkf_ic_25_4, last visited 2013
- Milius Djims, "Justifying Intellectual Property in Traditional Knowledge", available at: <https://www.privatelaw.uct.ac.za/usr/private_law>, last visited 2012
- Mugabe John, "Intellectual Property Protection and Traditional Knowledge, An Exploration in International Policy Discourse", available at: <<https://www.wipo.int/tk/en>>, last visited 2012
- Ng etic Kibet A, "Indigenous Knowledge, Alternative Medicine and Intellectual Property Rights Concerns in Kenya", 2005, available at: <<https://www.iprsonline.org/resources/tk.htm>>, last visited 2012
- Ragavan Srividhya, "Protection of Traditional Knowledge", available at: <<https://www.law.ou.edu/faculty/facfile>>, last visited 2012
- Ruiz Manuel, "the International Debate on Traditional Knowledge as Prior Art in the Patent System: Issues and Options for Developing Countries", 2002, available at: <<https://www.ciel.org/publications/PriorArt-ManuelRuiz>>, last visited 2012
- SmallaCombe Sonia, Davis Michael, Quiggin Robynne, Christie Michael, Craige Dorna, Cronin Darryl, Davies Jocelyn, Douglas Josephine, Duffy Michael, Edwards Tahnia, Evans Louis, Guy Josie, Jordan Lucas, Muir Kado, Ravey Margaret, Rea Kathy, Sherwood Juanita, "Desert Knowledge CRC, Scoping Project on Aboriginal Traditional Knowledge", 2007, available at: <<https://www.desertknowledgecrc.com/au/resources/DK>>, last visited 2012
- Udgaonkar Sangeeta, "the Recording of Traditional Knowledge: Will It

- Prevent Bio-Piracy”, 2002, available at: <<https://www.ias.ac.in/currsci/feb-252002>>, last visited 2012
- Ullrich Hanns, “Traditional Knowledge, Biodiversity, Benefit Sharing and the Patent System, Romantics V Economics”, 2005, available at: <<https://www.iprsonline.org/resources/tk.htm>>, Last visited 2012
- Verbauwhede Lien, “Laying the Foundation: Managing Trade Secrets”, 2004, available at: <<https://www.wipo.int/edocs/mdocs>>, last visited 2012
- WHO, “Legal Status of Traditional Medicine and Complementary/ Alternative Medicine”, 2001, available at: <<https://www.who.int/hq/2001>>, last visited 2012
- WHO, “Regional Strategy for Traditional Medicine in the Western Pacific”, 2002, available at: <<https://www.wpro.who.int/NR/rdonlyres>>, last visited 2012
- WIPO, “WIPO/GRTKF/5/8”, 2003, available at: <<https://www.wipo.int/edocs/mdocs>>, last visited 2012
- WIPO, Intellectual Property and Traditional Cultural Expressions/folklore, 2002, available at: <<https://www.wipo.int/freepublications/en/tk>>, last visited 2012
- WIPO, Intellectual Property Handbook, Policy, Law and Use, Chapter 2, Fields of Intellectual Property, available at: <<https://www.wipo.int/export/sites>>, last visited 2012
- WIPO, Understanding Industrial Property, available at: <<https://www.wipo.int/freepublications/en>>, last visited 2012

یادداشت شناسه مؤلفان

سمیرا غلام دخت: مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل. دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق مالکیت فکری از دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول)

نشانی الکترونیک: samiragholamdokht@gmail.com

مهدی زاهدی: استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی

نشانی الکترونیک: Mehdii_Zahedii@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۱۱/۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۱۲/۲۵